

جایگزینهای مجازات زندان و نهاد تعزیر

تاریخ دریافت: ۸۱/۹/۴

تاریخ تأیید: ۸۷/۷/۲۵

علیرضا محولاتی*

چکیده:

هر چند که تلاش فلاسفه و حقوقدانان غربی در طول قرنهای هفده و هجده در زمینه جلوگیری از اعمال مجازاتهای خشن و شدید، موجب پذیرش مجازات زندان به عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد، اما دیری نگذشت که استفاده بی رویه از مجازات زندان، باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شد که موافقان آن را دچار تردید و در نهایت، آنان را به واکنش واداشت. یکی از مهمترین واکنشهایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت، پیشنهاد استفاده از «جایگزینهای مجازات زندان» و اجتناب از مجازات زندان، مگر به عنوان «آخرین حربه» بوده است.

مقاله حاضر، تلاشی است که به منظور تبیین جایگاه «جایگزینهای مجازات زندان» در میان مجازاتهای اسلامی و نحوه اعمال آنها در قوانینی که گرفته شده از نظام حقوقی اسلامند، صورت پذیرفته است. در این مقاله ثابت می شود که گنجاندن نهاد تعزیر در نظام کیفری اسلام، وسیله ای است برای استفاده از اقداماتی که می تواند روند اصلاح مجرم را سرعت بخشد. بنابراین «مجازاتهای جایگزین زندان»، در حقیقت نوعی «مجازات تعزیری» هستند که چنانچه حاکم جامعه اسلامی اعمال آنها را به مصلحت جامعه و فرد تشخیص داد، می تواند بدون هیچ محدودیتی از آنها استفاده نماید.

واژگان کلیدی: مجازاتهای اسلامی، جایگزینهای مجازات زندان، تعزیرات

واکنش اجتماعی علیه جرم، در گذر زمان تحت تأثیر تحولات حقوق جزا و جرم‌شناسی، تغییرات چشمگیر و مهمی را به خود دیده است. زندان به عنوان یکی از مهمترین صورت‌های مجازات، از قرن هجدهم به این سو، محور مطالعات و تحقیقات اندیشمندان و مکتبهای حقوقی و جرم‌شناسی قرار گرفته و تحت تأثیر این اندیشه‌ها دگرگونی عمیقی یافته است. از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه مهمی در میان نمونه‌های مختلف واکنش اجتماعی علیه عمل مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محکومان، رفته رفته خاصیت تریبی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی محکومان جای آن را گرفت. بدین منظور، هم قانونگذاران ملی و هم سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی چون شورای اروپا و سازمان ملل، جداگانه یا با همکاری همدیگر کوشیدند تا شیوه‌های اداره و سازمان‌دهی مجازات زندان را دگرگون سازند، تا بلکه از این طریق بتوان حقوق محکومان را بهتر رعایت کرد. (آنسل: ص ۸۶).

مهمترین اقدام سازمان ملل را در این مورد می‌توان تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه در مورد رفتار با زندانیان» (United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoner) دانست که در اولین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۵۵ به تصویب رسید و پس از آن، در ۲۱ جولای ۱۹۵۷ مورد پذیرش شورای اقتصادی اجتماعی قرار گرفت. (Resolution 663ci (XXIV)).

اما در سده بعد نیز هر چند افراد بسیاری از زندان به عنوان وسیله‌ای برای بازپروری مجرمان یاد می‌کردند، اما توصیه‌ها و رهنمونهای مکرر سازمان ملل در مورد به حداقل رساندن استفاده از زندان و در مقابل، استفاده هر چه بیشتر از جایگزینهای مجازات زندان و تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه سازمان ملل در مورد اقدامات غیر سالب آزادی» مشهور به «قواعد توکیو» در سال ۱۹۹۰

(United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures (The Tokyo Rules). همگی حاکی از نگرانیهای جدی، نسبت به امر اصلاح و بازپروری مجرمان در زندان‌ها بوده است. در مقابل، نحوه برخورد کشورها با این موضوع در ابتدای امر به این صورت بود که اقداماتی در زمینه اصلاح زندانها برداشتند، چرا که آنان معتقد بودند که ناکارآمدی اصلاح و درمان محکومان در زندانها، معلول کمبود امکانات

و نیروی انسانی لازم است و از این رو با افزایش کمی و کیفی این دو عامل، و نیز بهره‌جویی از شیوه‌های نوین، کوشیدند از نواقص زندانها بکاهند و از زندان به عنوان وسیله‌ای برای بازپروری اجتماعی محکومان استفاده نمایند. (آنسل، ص ۸۹).

اما با تمام تلاشهایی که راجع به اصلاح زندانها صورت گرفت، نتایج به دست آمده ناامید کننده بود و بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندانها، تقریباً مردود شناخته شد. (همان) در کنار این اقدامات که هزینه‌های هنگفتی را بر دولتها تحمیل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسل به کیفر سالب آزادی را به حداقل برساند و جایگزینهای مناسبی برای آن جستجو کند. تردیدی نیست که حامیان این نظریه با عنایتی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید از «آزادی تردد» آنان جلوگیری شود و به عبارتی زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان تلقی شود. آنان معتقدند که سلب آزادی از محکومان، باید به عنوان «آخرین حربه» و آنگاه که هیچ شیوه و راهکار قابل اعتماد دیگری نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل مجرمان به کار گرفته شود (همان: صص ۵-۹۴).

براین اساس، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، اقدام به ابداع شیوه‌های جدید مجازات مجرمان، از قبیل جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مجازاتهای سالب و یا محدود کننده حقوق و... نمودند تا حتی الامکان بتوانند جلو آثار زیانبار زندان را بر جامعه، فرد زندانی و خانواده او بگیرند.

بدون شک، استفاده از اقدامات جایگزین و گنجاندن آنها در مقررات کیفری متخذ از حقوق جزای اسلام، منوط به آشنایی اجمالی با این اقدامات و تبیین جایگاه آنها در بین مجازاتهای شرعی می‌باشد. در واقع پرسش اصلی این است که این اقدامات در حقوق کیفری اسلام، تحت کدام یک از مجازاتهای شرعی بررسی شده است. از این رو در این مقاله سعی شده، ضمن معرفی اقداماتی که به عنوان جایگزین زندان مطرحند، به جایگاه و موقعیت آنها در میان کیفرهای شرعی اشاره شود. در این راستا، نگارنده سعی دارد که با استفاده از معنا و مفهوم تعزیر در روایات وارده در باب مجازاتهای تعزیری و همچنین کلمات فقها و دیگر ادله ارائه شده مبنی بر عمومیت تعزیر، به این نتیجه برسد که مجازاتهایی که در حقوق غرب از آنها به عنوان «جایگزینهای مجازات زندان» یاد می‌شود، در حقیقت مجازاتهای تعزیری هستند که مقام صالح، برای تعیین و انتخاب آنها

با هیچ محدودیتی مواجه نیست.

فصل یکم:

مجازات‌ها و اقدامات جایگزین زندان

در این فصل به بیان برخی از تدابیر و اقداماتی که به صورت کامل جایگزین مجازات زندان می‌شوند و ماهیتی غیر از زندان دارند اشاره می‌شود. این گونه اقدامات را می‌توان به دو دسته ضمانت اجرای مالی و ضمانت اجرای آموزشی - اجتماعی تقسیم کرد که به توضیح هر کدام از آنها پرداخته می‌شود:

مبحث یکم: ضمانت اجرای مالی

۱. جزای نقدی

در بسیاری از کشورها در جهت سیاست حبس زدایی و تلاش در راستای رفع بحران حاکم بر زندان‌ها، دگرگونی عمیقی در نظام مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری ایجاد شده است و این طور به نظر می‌رسد که گرایش به سوی جزای نقدی بیش از سایر مجازات‌های جایگزین، نمود یافته است. چنانکه می‌بینیم قانون گذار فرانسوی با حذف زندان از لیست مجازات‌های جرایم خلافی، راه را برای استفاده هر چه بیشتر قضات از جزای نقدی در مورد این جرایم هموار ساخته است، و یا ملاحظه می‌شود که در مورد حبس‌های جنحه‌ای هم اجازه تبدیل آنها را به جزای نقدی داده است. (حسینی، ۱۳۷۹: ص ۵۴) و یا ملاحظه می‌شود که قانون گذار آلمان، کیفر جزای نقدی را الزاماً، مگر در موارد بسیار استثنایی، جایگزین مجازات زندان به مدت کمتر از ۶ ماه کرده است. (آشوری: ص ۲۹۱).

پس تغییراتی این چنینی که در قوانین سایر کشورها نیز اتفاق افتاده، همگی حاکی از مشکلات پدید آمده از ناحیه اعمال مجازات زندان، و تلاش کشورها برای رهایی و حل آنهاست.

ارزیابی این اقدام

حقوقدانان در مقام مقایسه کیفر جزای نقدی با مجازات زندان و سایر مجازات‌ها امتیازاتی برای آن ذکر کرده‌اند، که به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- جزای نقدی فاقد آثار روحی روانی است و موجب فساد و تباهی فرد نمی‌شود.

- تکرار آن، بر خلاف مجازات زندان، موجب از بین رفتن اثر بازدارنده آن نیست.
 - ایجاد تناسب بین جرم و جزای نقدی از هر مجازات دیگری آسان‌تر است.
 - بهترین عامل بازدارنده برای جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.
 - اجرای آن نه تنها هزینه‌ای برای دولت در بر ندارد، بلکه منبع درآمدی نیز محسوب می‌شود و ... (اردبیلی: ۲/ص ۱۶۷ و گلدوزیان: ص ۲۶۲ و نوربها: ص ۲۹۵).
 اما وجود این امتیازات در جزای نقدی، باعث فراموشی از عیوب آن نشده، بنابراین می‌بینیم که حقوق‌دانان به بیان آن پرداخته‌اند که بعضی از آنها عبارتند از:
 - اعمال این مجازات مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست.
 - این مجازات‌ها به علت اینکه بر افراد فقیر، بیش از غنی فشار وارد می‌کند، ناعادلانه و نابرابر است.
 - اجرای این مجازات‌ها حتمی نیست، چرا که در موارد بسیاری منجر به حبس افراد می‌شود... (همان).

وجود این اشکال‌ها در جزای نقدی، باعث کم رنگ شدن امتیازات فراوان آن بر مجازات زندان شده است، به گونه‌ای که همین عیوب، حتی امتیازات آن را تحت الشعاع قرار داده است. همین امر باعث شده که حقوق‌دانان به فکر برطرف کردن این نقص‌ها بیفتند و شیوه‌های جدیدی را در مسیر اعمال و اجرای این مجازات‌ها ابداع نمایند.
 در قسمت بعدی به راهکارهای پیشنهادی برای حل این مشکلات اشاره می‌شود.

شیوه‌های نوین در راستای پرداخت جزای نقدی

همان طور که بیان شد، یکی از مهمترین اشکال‌های وارد بر جزای نقدی، ایجاد تبعیض بین فقیر و غنی است؛ چه بسیار تهمی‌دستانی که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جزای نقدی، ماه‌ها و حتی سال‌ها در زندان باقی می‌مانند، ولی در مقابل، توانگران بسیاری می‌توان یافت که در صورت ارتکاب جرایم مشابه، فوراً مبلغ جزای نقدی را پرداخت می‌کنند و متحمل هیچ گونه درد و رنجی هم نمی‌شوند و چه بسا همین امر، انگیزه آنها را برای ارتکاب جرایم بعدی، بیشتر نماید، زیرا ارتکاب جرم برای آنها هزینه‌چندانی در بر نداشته است.

پس با توجه به تمام امتیازات جزای نقدی، اعمال این مجازات در صورتی می‌تواند مؤثر واقع شود و اثر بازدارنده داشته باشد که از سنگینی مناسبی برخوردار باشد تا

فرد خاطی، خطر دستگیری و رنج و زحمت پرداخت این مبلغ را دقیقاً بچشد، در غیر این صورت اگر مبلغ آن کم باشد، نسبت به غنی اثر بازدارنده‌ای را در بر نخواهد داشت، چرا که او بدون هیچ مشکلی آن مبلغ را پرداخت می‌کند. (Mnyani, P. 7.)

حال بحث اساسی همین جاست که چگونه ما می‌توانیم جزای نقدی را به گونه‌ای تعیین کنیم که در عین حال که پرداخت آن، بر بزهکار غنی سنگین تمام شود، به شخص فقیر هم ظلم نشود؟ به علاوه، چه کنیم که اگر فقیری به خاطر عدم قدرت در پرداخت جزای نقدی به زندان افتاد، دیگر در آن جا برای مدت نامعلومی باقی نماند؟ بلکه مقرری قانونی برای وی وجود داشته باشد. به منظور رفع همین مشکلات، حقوق‌دانان راهکارهای جدیدی در زمینه پرداخت جزای نقدی ابداع کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

روزهای جزای نقدی

الف - تعریف

از راهکارهای پیشنهادی در زمینه حل مشکلاتی که بر سر راه اعمال کیفر جزای نقدی وجود دارد، می‌توان به نظام «روزهای جزای نقدی» و یا «جریمه‌های روزانه» اشاره کرد. این نظام ابتدا در کشورهای شمال اروپا (فنلاند، سوئد، دانمارک) به وجود آمد و بعدها در آلمان، اتریش، پرتغال، ایتالیا و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و سرانجام، در سال ۱۹۸۳ در فرانسه مورد عمل قرار گرفت. بانیان این نظام بر این عقیده بودند که ضمن عادلانه‌تر و قابل درکتر ساختن جزای نقدی، باید امکان اعمال هر چه گسترده‌تر آن را به جای مجازاتهای سالب آزادی نیز فراهم کرد. (آنسل: ص ۱۰۲)

در این نظام، مجازاتهای نقدی نه بر اساس پول، بلکه بر حسب «روز» و با توجه به میزان درآمد روزانه محکوم علیه معین می‌گردد. به عبارتی، در سیستم و نظام جزای نقدی روزانه، مجازات از ترکیب دو عنصر به دست می‌آید، به این صورت که قاضی با توجه به وضعیت و احوال ارتکاب جرم و شدت جرم، تعداد روزهایی را که محکوم به ازاء آنها جریمه پرداخت می‌کند، معین می‌کند و سپس با توجه به اوضاع مادی و درآمد فرد، مبلغ جریمه مورد نظر به ازاء هر روز را مشخص می‌کند.

پس می‌توان گفت: مبلغ محکومیت، از حاصل ضرب عنصر اول (تعداد روز) در عنصر دوم (مبلغ روزانه جزای نقدی) به دست می‌آید. به بیانی دیگر: جزای نقدی روزانه

= تعداد روزهای مورد حکم × مبلغ جریمه روزانه.

اما باید توجه داشت که حداقلها و حداکثرها در مورد مبلغ جریمه روزانه و تعداد روزهای مورد حکم، توسط قانونگذاران مشخص می‌شود و قاضی ملزم است در همان محدوده، حکم صادر کند. مثلاً طبق ماده ۴۰ اصلاحی قانون جزای آلمان مصوب ۱۹۷۶، حداقل جزای نقدی ۱۰ مارک است که بر مبنای ۵ روز و هر روز ۲ مارک محاسبه می‌شود. از طرفی به منظور مخالفت با کسانی که از طریق فعالیت‌های نامشروع اقتصادی، سودهای کلان می‌برند، حداکثر جزای نقدی مبلغ قابل توجه ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار مارک است که محاسبه آن بر پایه ۳۶۰ روز و از قرار روزی ۱۰۰۰۰ مارک می‌باشد. (آشوری: ص ۲۹۴).

اما در بعضی قوانین، تنها به ذکر حداکثر اکتفا کرده‌اند و در تعیین حداقل، دست قضات را باز گذاشته‌اند. مانند قانون جزای فرانسه که در ماده ۵ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد مبلغ جریمه روزانه، نباید متجاوز از ۲ هزار فرانک باشد و از طرفی، تعداد روزها نیز نمی‌تواند متجاوز از ۳۶۰ روز باشد. (حسینی: ص ۵۴) بنابراین، حداکثر جزای نقدی قابل تصور، مبلغ ۷۲۰۰۰۰ فرانک می‌باشد.

ضمناً عدم پرداخت کامل یا بخشی از جزای نقدی روزانه، موجب حبس محکوم علیه، برای مدت زمانی معادل نیمی از روزهای جزای نقدی پرداخت نشده می‌شود. در این زمینه، قانون جزایی فرانسه در ماده ۲۵ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «در صورت محکومیت به مجازات جزای نقدی روزانه بدل از زندان، مجموع مبلغ، در زمان انقضای مهلتی که متناسب با تعداد روزهای جزای روزانه تعیین می‌شود، قابل مطالبه است. عدم پرداخت تمام یا بخشی از مجموع مبلغ جزای نقدی روزانه، حبس محکوم را برای مدت نصف تعداد روزهای جزای نقدی روزانه که پرداخت نشده، در پی دارد و ...» (حسینی: ص ۶۵).

ب - ماهیت حقوقی

در هنگام تصویب مواد مربوط به جزای نقدی روزانه در پارلمان فرانسه، مباحثی مطرح شد که ماهیت حقوقی این مجازات را دچار تردید و مشکل کرده است. درباره ماهیت این مجازات چهار تفسیر ذکر شده است:

۱ - بر اساس مواد ۳ - ۱۳۱ و ۵ - ۱۳۱، جزای نقدی روزانه جایگزین حبس است.

۲ - مجازات، اصلی عمومی است که می‌تواند به هر نوع حبس اضافه شود، حتی

اگر جزای نقدی مقرر نشده باشد. (بخشنامه ۱۴ مه ۱۹۹۲، شماره ۴۹/)

۳ - جانشین جزای نقدی است، زیرا نمی‌تواند توأم با آن (جزای نقدی) باشد. (بند آخر ماده ۹-۱۳۱).

۴ - مجازات دوگانه، غیر قابل طبقه‌بندی است که همزمان، از مجازات جایگزین و مجازات تکمیلی ناشی می‌شود.» (کاشفی: ص ۱۵۶).

پس همان طور که ملاحظه می‌شود، در مورد ماهیت حقوقی این مجازات، اختلاف نظر وجود دارد؛ به گونه‌ای که بعضی بر این عقیده‌اند که این مجازات، جایگزین مجازات حبس محسوب می‌شود. بعضی دیگر، آن را مجازاتی اصلی می‌دانند. برخی این مجازات را غیر قابل طبقه‌بندی می‌دانند و بعضی دیگر، آن را جایگزین مجازات زندان می‌دانند. اما دیوان عالی فرانسه، تفسیر جانشینی این مجازات از جزای نقدی را مورد تأیید قرار داده و آن را نوعی جزای نقدی با همان ماهیت می‌داند. (همان)

برنامه جایگزین جزای نقدی (fine option program)

این برنامه، برای اولین بار، در سال ۱۹۸۳ در ایالت «مانیتوبا» (Manitoba) واقع در کشور کانادا ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد این برنامه، کاهش تعداد مجرمانی بود که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جریمه نقدی به زندان افتاده بودند. به بیان روشنتر، این برنامه، عکس‌العملی در مقابل این واقعیت بود، که در آن ایالت زندانها تبدیل به «زندانهای بدهکاران» (Debtor's prisons) شده بود. زیرا قشر عمده‌ای از زندانیان، افرادی بودند که قدرت و توان لازم را برای پرداخت جزای نقدی نداشتند. بطور مثال، در سال ۱۹۸۲، ۲۴ درصد (۷۹۱ نفر) از زندانیانی که مجوز ورود به مؤسسات اصلاحی ایالتی را دریافت کرده بودند، افرادی بودند که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جزای نقدی، راهی زندان شده بودند. مقررات مربوط به این قانون، تحت عنوان مقررات برنامه جایگزین جزای نقدی نام‌گذاری شد. بر طبق این مقررات، مجرمان می‌توانند در «مراکز کاریابی عام المنفعه» (Community Resource Centres) ثبت نام نمایند کاری که این مراکز برای این گونه مجرمان می‌کنند، مثل همان کاری است که برای مجرمان محکوم شده به خدمات عام المنفعه انجام می‌دهند؛ به این صورت که برای ثبت نام کنندگان، کاری مناسب در جامعه ترتیب می‌دهند، سپس بر انجام کامل آن نظارت می‌کنند. ضمانت اجرای این برنامه هم این است که اگر فرد از انجام کار محوله سرباز زند، مجدداً دستگیر می‌شود و به میزان انجام همان کار عام المنفعه، راهی زندان می‌شود.

ضمناً باید توجه داشت که دادگاه در مورد شخص محکوم به جزای نقدی، نظر نمی‌دهد، که او باید، یا می‌تواند وارد این برنامه شود، بلکه افراد در استفاده از این برنامه آزاداند. حتی استفاده از این طرح، اختصاص به افرادی ندارد که ناتوان از پرداخت جزای نقدی هستند، بلکه افرادی که توانایی پرداخت جزای نقدی را هم دارند، می‌توانند در این برنامه، نام نویسی کنند.

نحوه ورود به این برنامه

در مانیتوبا مجرمان، از دو راه می‌توانند به این برنامه ملحق شوند:

الف - بعد از این که دادگاه، فرد را محکوم به پرداخت جزای نقدی کرد، او فوراً می‌تواند در این برنامه نام‌نویسی کند.

ب - اگر فردی در مرحله صدور حکم، برای ورود به این برنامه نام نویسی نکرد و از طرفی قادر به پرداخت جزای نقدی نیز نبود و به خاطر قصور و کوتاهی در پرداخت جزای نقدی محبوس شد، در این صورت یک فرصت دیگر برای ورود به این برنامه، در زمانی که فرد در مؤسسه اصلاحی است، وجود دارد. همان گونه که در سال ۱۹۸۸، تعداد ۲۴۵ نفر از ۷۵۴ نفری که به خاطر عدم توانایی در پرداخت جزای نقدی در زندانهای مانیتوبا به سر می‌بردند، با استفاده از این طریق وارد این برنامه شدند و بر اساس آمار منتشره در سال ۱۹۸۹، تعداد ۶۵۴ مجرم بزرگسال و ۷۹۲ جوان بزهکار، برای انجام خدمات عام‌المنفعه از طریق این برنامه ثبت نام کردند. ضمناً باید توجه داشت که اگر فردی پیش از این، در انجام کاری که بر طبق این برنامه ملزم به انجام آن بوده است کوتاهی کرده باشد، دیگر حق استفاده از این فرصت را نخواهد داشت.

شیوه محاسبه مجازات

همان طور که معلوم شد، در این برنامه، فرد باید عوض از جزای نقدی، ساعاتی را به انجام خدمات عام‌المنفعه بپردازد؛ اما نحوه تعیین این ساعات، به این نحو است که قاضی مبلغ جزای نقدی را تقسیم بر حداقل دستمزد فرد در ساعت می‌کند که نتیجه حاصله، عبارت است از تعداد ساعاتی که فرد باید به انجام خدمات عام‌المنفعه بپردازد. به عبارتی می‌توان گفت:

ساعات کار مورد نظر = حداقل دستمزد مزد در ساعت، تقسیم بر جزای نقدی.

(The Justice system and Aboriginal People, fine option).

ضمناً هر چند بین این شیوه و قرار خدمات عام المنفعه شباهت‌های زیادی وجود دارد، اما تفاوت‌هایی نیز بین این دو شیوه وجود دارد که پس از آشنایی با قرار خدمات عام المنفعه به آنها اشاره می‌شود.

۲ - مصادره اموال

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند، جایگزین مجازات زندان شود، ضبط تمام و یا قسمتی از اموال محکوم علیه به نفع دولت می‌باشد. ضبط و مصادره اموال را بطور کلی به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: یکی مصادره عمومی و دیگری مصادره اختصاصی. مصادره عمومی: عبارت است از ضبط اموال موجود محکوم علیه، اعم از منقول و غیرمنقول. این گونه مصادره مجازاتی بسیار مؤثر است؛ زیرا علاوه بر شدت، جنبه کاملاً ارعابی دارد. اما باید به این امر توجه کرد که آثار این نوع محکومیت، تنها به شخص محکوم علیه محدود نمی‌شود بلکه خانواده و دیگر کسان او را نیز متأثر می‌سازد. از این حیث، این مجازات را مغایر موازین انصاف و عدالت شناخته‌اند. (اردبیلی: ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۷۱).

مصادره اختصاصی: عبارت است از این که مالکیت برخی از اشیاء که به نحوی با جرم در ارتباط بوده، به دولت اختصاص پیدا کند. این اشیاء گاهی موضوع جرم است و عمل مجرمانه بر روی آن انجام شده، مانند کالایی که بطور قاچاق و غیر قانونی وارد کشور شده است و گاهی ممکن است که مال مورد مصادره حاصل جرم باشد، مانند پول و درآمدهای که از طریق فروش کالای قاچاق به دست آمده و گاهی ممکن است مال مورد مصادره آلت جرم باشد، مانند وسیله نقلیه‌ای که برای حمل و نقل کالای قاچاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. (صلاحی: ص ۱۵۵)

در بعضی از کشورها، از این مجازات به عنوان جایگزینی برای زندان استفاده می‌کنند، مانند فرانسه، هلند و آلمان (العوجی: ص ۱۶۴) آن گونه که ماده ۲۱ - ۱۳۱ قانون جزایی فرانسه به تبیین این مجازات پرداخته و مقرر می‌دارد:

«... مجازات ضبط و مصادره، در مورد اشیایی اعمال می‌شود که در ارتکاب جرم به کار رفته و یا استفاده از آن در ارتکاب جرم مقصود بوده و یا در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است و ... زمانی که شیء مصادره شده به دست نیامده یا نمی‌تواند مورد

شناسایی قرار گیرد، به مصادره ارزش آن حکم داده می‌شود. برای وصول تمامی مبلغ معادل ارزش شیء مصادره شده، مقررات مربوط به الزام به وصول، از طریق بازداشت قابل اعمال می‌باشند...» (حسینی: ص ۶۴).

اما راجع به مواردی که می‌توان از این مجازات به عنوان جایگزین زندان استفاده کرد، باید متذکر شویم که قانونگذار فرانسه بر اساس مواد ۱۲ - ۱۳۱ و ۱۴ - ۱۳۱^{۱۱} اجازه استفاده از این مجازات را، در جرائم خلافی به قضات داده است. همچنین بنا بر مواد ۳ - ۱۳۱ و ۶ - ۱۳۱ قضات می‌توانند از این مجازات، در جرائم جنحه‌ای استفاده نموده و مستقیماً آن را مورد حکم قرار دهند و یا از آن به عنوان بدل و جایگزین زندان استفاده نمایند.^{**}

اما در مورد جنایات، قضات می‌توانند از این مجازات و دیگر مجازاتهای محروم کننده و محدود کننده حقوق، (شمرده شده در ماده ۱۰ - ۱۳۱) فقط به عنوان یک مجازات تکمیلی استفاده نمایند.^{***}

اما در حقوق ایران، مجازات ضبط و مصادره اموال، به عنوان مجازات اصلی مورد

^{*} ماده ۱۲ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «مجازاتهای جرایم خلافی که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شوند عبارتند از: ۱ - جزای نقدی، ۲ - مجازاتهای محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که در ماده ۱۴ - ۱۲۱ پیش بینی شده‌اند...».

ماده ۱۴ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «برای همه جرایم خلافی گروه پنجم، یک یا چند مجازات محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که ذیلاً ذکر می‌شود، می‌تواند مورد حکم قرار گیرد: ... ۶ ضبط شیء که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود استفاده از آن در ارتکاب جرم بوده و شیئی که محصول ارتکاب جرم است...».

^{**} ماده ۲ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «مجازاتهای تأدیبی (جنحه‌ای) که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شوند عبارتند از: ۱ - مجازات زندان، ۲ جزای نقدی، ۳ جزای نقدی روزانه (بدل از زندان)، ۴ کار عام المنفعه، ۵ مجازاتهای محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که در ماده ۶ - ۱۳۱ پیش بینی شده‌اند، ۶ مجازاتهای تکمیلی پیش‌بینی شده در ماده ۱۰ - ۱۳۱».

ماده ۶ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «هنگامی که مجازات جنحه‌ای، زندان است، یک یا چند مجازات از مجازاتهای محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که ذیلاً ذکر می‌شوند، می‌توانند مورد حکم قرار بگیرند... ۱۰ ضبط اشیایی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا استفاده از آنها در ارتکاب جرم مقصود بوده یا اشیایی که محصول جرم باشند...».

^{***} ماده ۱۰ - ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «در موارد پیش‌بینی شده در قانون، یک جنایت یا جنحه می‌تواند با یک یا چند مجازات تکمیلی متضمن ممنوعیت از یک حق، تقلیل آن، حکم به عدم صلاحیت برای تصدی یک حق یا بازپس گرفتن و الغای یک حق، توقیف یا ضبط شیء، بستن یک مؤسسه یا اعلان عمومی یک حکم یا پخش آن در مطبوعات یا در رسانه‌های سمعی، بصری همگانی که موجب تنبیه اشخاص حقیقی می‌باشد، مجازات شود.» (رک: حسینی: ش ۱۶، ص ۵۶)

حکم قرار نمی‌گیرند، بلکه در بعضی موارد، از این مجازات به عنوان مجازاتی تکمیلی استفاده می‌شود. از این قبیل به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: ماده ۷۰۹ در مورد آلات و اسباب قمار که حسب مورد به موجب حکم دادگاه معدوم و یا ضبط می‌شوند و ماده ۵۲۲ که مربوط به مصادره سگه قلب می‌باشد و یا ماده ۷۱۲ که مربوط به مصادره اسلحه حاصل از طریق تکتدی و کلاشی می‌باشد.

۳. پرداخت غرامت به مجنی علیه

یکی دیگر از مجازات‌هایی که جنبه مالی دارد و می‌تواند به عنوان جایگزین مناسبی برای زندان در نظر گرفته شود، مجازات پرداخت غرامت و جبران خسارت وارده بر مجنی علیه می‌باشد. به عقیده بعضی از جرم‌شناسان، هنگامی که طبیعت جرم اقتضای حبس مجرم را ندارد، حکم به پرداخت غرامت به مجنی علیه، حتی از محکومیت وی به جزای نقدی نیز بهتر است؛ چرا که مبلغ حاصله از جزای نقدی به خزانه دولت واریز می‌شود، در حالی که در این جا غرامت به شخص مجنی علیه پرداخت می‌شود و همین امر باعث جلب رضایت وی و رفع آلام و کدورتها از وی می‌شود.

با توجه به این امر است که بعضی کشورها سعی کرده‌اند، با گنجاندن این نوع از مجازات در قوانین کیفری خود، تا حدودی بر مشکلات عارضه از ناحیه زندانها فایق آیند. به عنوان مثال، در کشور کانادا به قضات اجازه داده شده که در بعضی موارد، با صدور قرار پرداخت غرامت مجرم به مجنی علیه، از اعمال مجازات دیگری در مورد وی صرف نظر نمایند. قانون به دو طریق اجازه صدور این قرار را به قضات داده است: یکی این که بر طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات کانادا، قاضی می‌تواند این مجازات را مستقیماً مورد حکم قرار داده و مجرم را ملزم به پرداخت غرامت به مجنی علیه نماید. و دیگری این که، بر طبق ماده ۷۳۷ قانون مجازات کانادا، قاضی می‌تواند پرداخت غرامت به مجنی علیه را یکی از شرایط تعلیق قرار داده و مجرم را ملزم نماید که به هر شخصی که بر اثر ارتکاب جرم، به وی آسیبی وارد شده است، غرامت پرداخت نماید.

نحوه تعیین غرامت نیز به این صورت است که در ابتدای امر، گزارشی توسط هماهنگ کنندگان غرامت، که در سیستم تعلیق مشغول به کار هستند، برای دادگاه تهیه می‌شود. گزارش حاوی این مطالب است، میزان خسارت وارده بر مجنی علیه، اوضاع و احوال جرم ارتکابی، نقطه نظرات بزه دیده، ارزیابی از میزان توانایی مجرم نسبت به

پرداخت غرامت و پیشنهادی در این مورد که آیا حکم به پرداخت غرامت، مناسب است یا خیر؟ و اگر مناسب است، تا چه میزان؟ اجرای این قرار در کانادا آثار مفیدی بر جای گذاشته، چنانکه برآورده می‌شود که در حال حاضر ۶٪ از مجرمان بزرگسال در دادگاه‌های استانی ایالت مانیتوبا، محکوم به همین مجازات شوند.

(The justice system and Aboriginal People, Restitution)

مبحث دوم: ضمانت اجرای آموزشی، اجتماعی

۱. خدمات عام المنفعه

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند بطور مستقیم، جایگزین مجازات زندان شود، خدمات عام المنفعه است. در حال حاضر، در اکثر کشورها برای پیشگیری از خطرات و مفسد زندانها و جلوگیری از تماس مجرمان جوان و فاقد سابقه کیفری با مجرمان سابقه‌دار و کاستن از مخارج سرسام‌آور زندانها، قرار خدمات عام المنفعه را در قوانین کیفری خود گنجانده‌اند.

قرار خدمات عام المنفعه عبارت است از: حکمی که دادگاه، مجرم را با توجه به رضایت وی، به جای فرستادن به زندان، به انجام کاری مجانی و بدون دریافت مزد، به تعداد ساعاتی معین، برای جامعه یا یکی از مؤسسات خیریه و عام المنفعه به نمایندگی از کل جامعه ملزم می‌نماید. (Op. Cit. community service)

تاریخچه

استفاده از نیروی کار مجرمان، اختصاص به سده اخیر نداشته و سابقه‌ای طولانی دارد. در دوره دادگستری خصوصی، خانواده مجرم، به خاطر حفظ امنیت و تمامیت خود، وی را به خانواده زیان دیده تسلیم می‌کردند تا به نحو مقتضی مجازات شود. مجرمی که به این نحو تحویل داده می‌شد، لزوماً محکوم به مجازات مرگ نمی‌شد؛ بلکه ملاحظات اقتصادی، در بعضی مواقع باعث می‌شد که خانواده زیان دیده، او را به بردگی درآورند و از کار او استفاده کنند. (صانعی: ص ۵۰). اما اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را عوض از مجازات وی به طرق مرسوم مطرح کرد، بکاریا در رساله جرایم و مجازاتهایش بود. وی در مورد سرقت‌های بدون خشونت معتقد است:

ثروتمند شدن با مال دیگران است، باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد. ولی چون معمولاً این جرایم ناشی از فقر و ناامیدی می‌شود... مناسبترین کیفری که می‌توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مُزد مجرم را در خدمت جامعه قرار می‌دهد تا به این صورت خودکامگی ناعادلانه او که با نقض پیمان اجتماعی محقق شده، جبران شود.» (بکاریا: صص ۱۰۶-۱۰۷).

هر چند بکاریا در نیمه دوم قرن هجدهم پیشنهاد استفاده از کارهای عام المنفعه را مطرح کرد، اما جامعه آن روز، در شرایطی نبود که به محض طرح چنین پیشنهادی، انتظار برآورده شدن و عملی شدن فوری آن را داشت؛ از این رو ملاحظه می‌شود که پس از گذشت بیش از یک قرن از آن زمان، یعنی در سال ۱۸۸۲، سناتور فرانسوی، میشو (Michoud) باز هم تأکید می‌کند که کار عام المنفعه وارد حقوق کیفری شود. (پرادل: ص ۱۲). و سرانجام، پس از گذشت سالها انتظار، در سال ۱۹۵۰ یک قاضی اطفال در برن (پایتخت سوئیس)، و همچنین یکی از قضات بروکسل (پایتخت بلژیک)، بدون توجه به روشها و مجازاتهای مذکور در قوانین خاص اطفال، حکم به اشتغال خدمات عام المنفعه را صادر کردند. (دانش: ص ۱۸۵).

این اندیشه، امروزه نیز توسط نویسندگان و انجمنهایی مانند جامعه بین المللی جرم‌شناسی و بنیاد بین المللی کیفری و زندانها در چارچوب گردهماییهای سالیانه آنها توصیه می‌شود. همانطور که گردهمایی سال ۱۹۸۶ در کویمبرا (Coimbra)، موضوع جلسات خود را به کار عام المنفعه اختصاص داد و گردهماییهای سال ۱۹۸۷ در پواتیه (Poitiers) و سال ۱۹۸۸ در گرنینگن (Groningen) منجر به تهیه و تدوین حداقل قواعد برای اصلاح و درمان محکومان در محیط آزاد شد. (پرادل: صص ۴-۱۲۳) سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در شصت و هشتمین نشست عمومی خود، در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ بنا به پیشنهاد کمیته پیشگیری و کنترل جرایم این سازمان، «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد را در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی» (مشهور به قواعد توکیو) را به تصویب رساند و حکم به خدمات عام المنفعه را به عنوان یک اقدام غیر سالب آزادی مورد تأیید قرار داد که در مبحث اول از این فصل، به توضیح و تبیین آن پرداخته شد. (2 - 8 / A/RES/45/110)

اهداف

همانطور که گذشت، یکی از مهمترین اسناد سازمان ملل که به استفاده از جایگزینها بطور عام و استفاده از خدمات عام المنفعه بطور خاص اشاره دارد، حداقل قواعد استاندارد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی می باشد که در مواد اولیه این مصوبه، اهداف کلی تصویب این سند ذکر شده است. در این جا که به بیان چند مورد از آن به نحو مختصر می پردازیم:

الف - ترویج استفاده از اقدامات غیر سالب آزادی و تشریح آن. حداقل تضمینهایی که برای افراد در معرض جایگزینها وجود دارد.

ب - افزایش مداخله جامعه در مدیریت و هدایت عدالت کیفری، خصوصاً در مورد درمان مجرمان.

ج - تحریک حس مسؤولیت پذیری مجرمان نسبت به جامعه.

د - تشویق کشورها به ایجاد تعادلی بین حقوق مجرمان و قربانیان و نگرانی جامعه در مورد امنیت عمومی.

ه - تشویق کشورها به گنجاندن این جایگزینها در قوانین کیفری خود، به خاطر آزادی بیشتر قضات در تعیین مجازاتها و استفاده هر چه کمتر از زندان.

و - منطقی و عقلانی کردن سیستمهای کیفری، با رعایت حقوق بشر و نیازهای عدالت اجتماعی و نیازهای اصلاحی مجرمان. (A/RES/45/110, Article 1)

علاوه بر این اهداف کلی، قرار خدمات عام المنفعه، دارای اهدافی اختصاصی نیز می باشد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

الف - فراهم آوردن این امکان برای مجرم که با حفظ نقش و موقعیت اجتماعی، مجازات خود را تحمل کرده و با تمام شدن مجازات، به سهولت به زندگی اجتماعی و عادی خود برگردد.

ب - تقویت احساس مفید بودن در مجرم، به این صورت که با انجام صحیح وظایف محوله، ارادش بر مقابله با مشکلات دو چندان می شود.

ج - افزایش توان و قابلیت مجرمان در تطابق و سازگاری با جامعه.

د - جلوگیری از به هدر رفتن نیروی کار مجرمان، و قراردادن آن در خدمت توسعه اقتصادی و اجتماعی.

ه - صرفه جویی در هزینه های دولت. (مرکز تحقیقات قوه قضائیه (پلی کپی)، ص ۲۰۷).

ضمناً باید توجه داشت که ترغیب دولتها به استفاده از این گونه مجازاتها، نباید به خاطر سودآوری محض آنها باشد؛ چرا که ایجاد ارتباط بین اعمال مجازات و تحصیل سود و منفعت، به هیچ وجه کار پسندیده‌ای به نظر نمی‌رسد. (القهوجی: ص ۲۰۷) بلکه به این دلیل است که چون اعمال این روش‌ها، امر اصلاح مجرمان را که یکی از عمده‌ترین اهداف مجازات زندان است، بهتر و سریعتر از زندان میسور می‌گرداند، پس استفاده هر چه بیشتر از آنها باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرد.

تفاوت قرار خدمات عام المنفعه با برنامه جایگزین جزای نقدی

پیش از این اشاره شد که بین برنامه جایگزین جزای نقدی و قرار خدمات عام المنفعه شباهتهای زیادی وجود دارد، اما در عین حال، این دو از جهاتی با هم متفاوتند. یکی از تفاوتهای مهم این دو در این است که در برنامه جایگزین جزای نقدی، مجرمان بین انتخاب پرداخت جزای نقدی و یا انجام خدمات عام المنفعه، از آزادی عمل برخوردارند، اما در خدمات عام المنفعه، چنین اختیاری برای مجرمان در نظر گرفته نشده است؛ بلکه بستگی به نظر قاضی دارد که برای مجرم، کدام یک از مجازاتهای خدمات عام المنفعه یا جزای نقدی و یا مجازات زندان را انتخاب نماید.

به علاوه، مجرمی که برنامه جایگزین جزای نقدی را نقض کند، بطور اتوماتیک و ار اجبار حبس می‌شود، ولی فردی که قرارهای خدمات عام المنفعه را نقض کند، به دادگاه برده می‌شود تا درباره او تصمیم بگیرند و بسیار کم اتفاق می‌افتد که فردی به خاطر نقض خدمات عام المنفعه راهی زندان شود.

(The Justice system and Aboriginal People, chapter. Community Service)

نتایج حاصل از اعمال این قرار در کشورهای مختلف

قرار خدمات عام المنفعه در دهه‌های اخیر، توانسته است به عنوان یک ضمانت اجرای موفق ظاهر شود؛ آن گونه که بسیاری از کشورها از قبیل انگلستان، کانادا، فرانسه، پرتغال، هلند، آلمان، سوئد و ... این قرار را به موقع اجرا گذاشته و در قوانین کیفری خود گنجانده‌اند و در این زمینه موفقیت‌هایی هم کسب کرده‌اند که در این قسمت به برخی از این دستاوردها اشاره می‌شود.

خدمات عام المنفعه، برای اولین بار در ضمن تصویب قانون جزا در تاریخ دهم ژوئن ۱۹۸۳ وارد حقوق کیفری فرانسه شد. طبق قانون جزای جدید فرانسه، خدمات عام المنفعه به دو صورت می‌تواند مورد حکم قرار گیرد، گاهی این خدمات به عنوان حکم اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد، مثل این که قاضی حکم صادر کند که مجرم ملزم است طی ۶ ماه، ۲۰۰ ساعت برای یک مؤسسه خیریه‌ای کار کند. (Picquat, p.2) اما در مورد نوع جرم ارتكابی فرد، باید متذکر شد که در قانون جزای فرانسه به استناد مواد ۱۷ - ۱۳۱ و ۱۸ - ۱۳۱* قاضی در جرایم خلافی می‌تواند مرتکب را به مجازات کار عام المنفعه به مدت ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت محکوم نماید.

اما در جرایم جنحه‌ای به استناد ماده ۸ - ۱۳۱** هنگامی که مجازات جنحه‌ای زندان باشد، دادگاه می‌تواند فرد را به مجازات خدمات عام المنفعه، به مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت محکوم کند.

اما در مورد این که فرد محکوم تا چه زمانی فرصت دارد این کار را انجام بدهد، ماده ۲۲ - ۱۳۱*** این زمان را حداکثر تا ۱۸ ماه ذکر می‌کند.

اما گاهی خدمات عام المنفعه، همراه با حکمی تعلیقی صادر می‌شود؛ مانند

*- ماده ۱۷ - ۱۳۱ مقرر می‌کند: «... آیین نامه‌ای که مجازات ارتكاب خلافی از خلاف‌های دسته پنجم (شدیدترین آنها) را تعیین می‌کند، می‌تواند همچنین، به عنوان مجازات‌های تکمیلی، مجازات کار عام المنفعه را برای مدتی بین بیست تا صد و بیست ساعت پیش بینی کند».

ماده ۱۸ - ۱۳۱ مقرر می‌کند: «هنگامی که خلافی با یک یا چند مجازات تکمیلی مذکور در مواد یکصد و سی و یک - هفدهم کیفر می‌شود، دادگاه می‌تواند فقط به مجازات تکمیلی یا به یک یا چند مجازات تکمیلی مناسب [به عنوان مجازات اصلی] حکم بدهد.

** - ماده ۸ - ۱۳۱ مقرر می‌کند: «هنگامی که مجازات جنحه‌ای زندان است، دادگاه می‌تواند مقرر کند که محکوم برای مدتی بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت، یک کار عام المنفعه بدون دستمزد، به نفع یک شخص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا به نفع مؤسسه‌ای که مجری کارهای عام المنفعه است، انجام دهد. مجازات کار عام المنفعه علیه مجرمی که آن مجازات را نمی‌پذیرد و مجرمی که در جلسه دادرسی حضور ندارد، نمی‌تواند مورد حکم قرار گیرد. رییس دادگاه، پیش از اعلام رأی، حق مجرم به عدم قبول مجازات کار عام المنفعه را به اطلاع وی می‌رساند و پاسخ او را دریافت می‌کند».

*** - ماده ۲۲ - ۱۳۱ مقرر می‌کند: «محکمه‌ای که به مجازات کار عام المنفعه حکم می‌دهد، مهلتی را حداکثر تا هجده ماه، که باید در طی آن کار عام المنفعه به انجام برسد، تعیین می‌کند. به محض انجام شدن تمام کار عام المنفعه، مهلت تمام می‌شود. مهلت انجام کار عام المنفعه می‌تواند بطور موقت به دلایل عمده پزشکی، خانوادگی، شغلی یا اجتماعی تعلیق شود. این مهلت در مدت زمانی که شخص محکوم، زندانی است یا در حال انجام تعهدات مربوط به نظام وظیفه است، تعلیق می‌گردد...».

محکومیت فرد به ۳ ماه حبس تعلیقی، همراه با الزام وی به انجام ۲۰۰ ساعت کار عام المنفعه ظرف مدت ۶ ماه. (Picquart, P.2) در این زمینه ماده ۵۴ - ۱۳۱ قانون جزایی فرانسه مقرر می‌کند:

«دادگاه در وضعیتها و مطابق کیفیات پیش‌بینی شده در مواد ۴۰ - ۱۳۲ و ۴۱ - ۱۳۲*، می‌تواند مقرر نماید که محکوم، برای مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت، یک کار عام المنفعه به سود شخصی حقوقی از اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا به سود مؤسسه‌ای که بطور معمول به اجرای کارهای عام المنفعه می‌پردازد، انجام دهد. هنگامی که مجرم، انجام کار عام المنفعه را نمی‌پذیرد یا در جلسهٔ محاکمه حاضر نیست، تعلیق توأم با تکلیف به کار عام المنفعه نمی‌تواند مقرر شود. روشهای اجرای تکلیف به یک کار عام المنفعه، توسط مقررات ۲۲ - ۱۳۱ و ۲۴ - ۱۳۱ معین شده‌اند. با به انجام رسیدن تمام کار عام المنفعه، محکومیت تمام شده تلقی می‌شود.» (حسینی: ص ۵۷).

اما در مورد مشمولان این قرار، باید متذکر شد که قرار خدمات عام‌المنفعه در نظام جزایی فرانسه، برای سه دسته از مجرمان قابل استفاده می‌باشد:

الف - مجرمانی که بر حسب اتفاق، برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند و جرمشان تا حدودی خطرناک است.

ب - مجرمانی که به عادت، مرتکب جرایمی شده‌اند که جرمشان از شدت کمی برخوردار است.

ج - مرتکبان تخلفات راهنمایی و رانندگی. (Picquart, P.4)

ب - انگلستان

در نظام قضایی انگلستان، خدمات عام‌المنفعه در مقایسه با نهاد تعلیق، چه از لحاظ

*- ماده ۴۰ - ۱۳۲ مقرر می‌کند: «دادگاهی که حکم به مجازات زندان می‌دهد، می‌تواند مطابق شرایط پیش‌بینی شدهٔ ذیل، مقرر نماید که با قرار گرفتن شخص حقیقی محکوم تحت رژیم آزمایش، اجرای کیفر او تعلیق گردد. پس از حکم به زندان تعلیق شدهٔ توأم با آزمایش، در صورت حضور محکوم، رییس دادگاه تبعات و پیامدهای ارتکاب جرم جدید را در مدت آزمایش و تبعات قصور در انجام اقدامات کنترل‌کننده یا تعهدات خاص که بر او تکلیف شده را به او اعلام می‌کند و ...»

و ماده ۴۱ - ۱۳۲ مقرر می‌کند: «تعلیق آزمایشی نسبت به محکومیت‌هایی به زندان به مدت حداکثر ۵ سال، به علت ارتکاب جنایت یا جناحه‌ای که مربوط به حقوق عمومی است، قابل اعمال است. هرگاه دادگاه اجرای موقت حکم را مقرر نکرده باشد، آزمایش فقط از روزی قابل اعمال است که مطابق تبصرهٔ ۲ ماده ۷۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری، محکومیت قابل اجرا می‌شود.»

قانونی و چه از لحاظ عملی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و جایگزین مناسبی برای مجازات زندان محسوب می‌شود. (Tomry, P.696). در این کشور از سال ۱۹۷۲ در این کشور، به محاکم این اجازه داده شد که بتوانند مجرمان بالای ۱۷ سال را به مجازات خدمات عام المنفعه به مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت محکوم کنند و به موجب قانون مصوب سال ۱۹۸۳، اختیارات بیشتری به قضات داده شد، به گونه‌ای که آنها می‌توانستند بزهکاران زیر ۱۷ سال را نیز به خدمات عام المنفعه به مدت ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت محکوم کنند. (العوجی: ص ۱۷۵).

در همین راستا، مجموعه مقرراتی تحت عنوان «مقررات راجع به خدمات عام المنفعه» (Community service orders Rules)، در اول آوریل سال ۱۹۸۹ به تصویب مجلس رسید که مشتمل بر چند بخش است: قسمت آغازین آن به تعریف واژه‌های کلیدی پرداخته است و در قسمت بعدی، به شرح وظایف مجریان قرارهای عام المنفعه پرداخته که آنها را به ارائه اطلاعاتی کتبی به شخص محکوم، در ارتباط با معنا و مفهوم خدمات عام المنفعه، وظایف وی، عواقب و پیامدهای عدم حضور بر سر کار معین شده و ... ملزم نموده است. در قسمتهای بعدی نیز به موضوعاتی مانند زمان آغاز کار، نحوه محاسبه کار انجام شده، عواقب قصور و کوتاهی در مورد عدم انجام کار و ... پرداخته شده است (The Community service orders Rules 1989).

اما در مورد نوع کاری که ممکن است مؤرد حکم قرار گیرد، باید خاطر نشان کرد: این امر بستگی به موقعیت مجرم، مهارت‌ها، تجربه، شایستگی و علایق وی دارد که قاضی با توجه به این امور، کاری مناسب برای فرد در نظر می‌گیرد. اما وظایف فردی که این قرار در مورد او اعمال می‌شود، این است که اولاً باید در ساعاتی که در حکمش مقرر شده، تحت نظارت مددکار اجتماعی قرار گیرد - به این معنا که وی حق ندارد بدون اجازه مددکار و یا سرپرست و کارفرما، محل کار را ترک کند و باید به تمام دستورات منطقی مددکار و یا سرپرست، جامه عمل بپوشد و آن طور که در قرار مقرر شده، گزارش کارش را به مددکار بدهد - ثانیاً اگر تغییری در آدرس وی حاصل شد، سریعاً آن را به مددکار اجتماعی اطلاع دهد. به علاوه تغییرات مربوط به استخدام را نیز به اطلاع مددکار اجتماعی برساند. (Community service orders in dundee city).

ج - ایالات متحده آمریکا

جایگزین مجازات زندان استفاده می‌شد، استفاده نوین از این قرار، مربوط به دهه ۱۹۶۰ می‌باشد که قضات شهر آلامدا (Alameda) در ایالت کالیفرنیا به خاطر اجتناب از تحمیل جزای نقدی نسبت به خانمهایی که مرتکب تخلفات رانندگی می‌شدند و از طرفی، قدرت پرداخت جزای نقدی را نداشتند، این قرار را صادر می‌کردند. زیرا در صورت فرستادن آنها به زندان، ممکن بود خطرهایی متوجه آنان شود. همین برنامه کالیفرنیا، موجب شد که دیگر ایالتها و حتی سایر کشورها نیز به این برنامه علاقمند شده و مقدمات بهره‌مندی از آن را مهیا کنند. اما نباید فراموش کرد که اخیراً در ایالات متحده از این قرار در مقایسه با سایر اقدامات، استفاده کمتری می‌شود. (Tonry, 1998, 696)

هدف از اعمال این قرار در این کشور نیز مانند سایر کشورها، کاستن از ازدحام زندانها و حتی کاستن از تعداد افرادی است که تحت آزمون قضایی قرار گرفته‌اند؛ چرا که در اجرای این قرار، نیاز به مراقبت مستمر نیست. ساعات کار عام المنفعه بین ۴۰ تا ۸۰ و حتی تا ۴۰۰ ساعت بر حسب نوع جرم و نحوه ارتکاب آن در نوسان است. یقیناً فردی که مرتکب یک جرم خلاف اخلاق شده و یا فردی که درگیری کوچکی با دیگران داشته، به مدت زمان کمتری محکوم به کارهای عام المنفعه می‌شود.

اما در مورد مشمولان این قرار، باید خاطر نشان کرد که در ایالات متحده، هر ایالت ممکن است که رویه‌ای متفاوت از سایر ایالتها داشته باشد، اما از باب نمونه مختصراً به مقررات مربوط به این قرار در ایالت نیویورک اشاره می‌کنیم:

در این منطقه قرار خدمات عام المنفعه ممکن است در مورد مرتکبان جرایم خلافی، جنبه و طبقه D از جنایات و مجرمان جوان صادر شود. فرد محکوم، ملزم است تعداد ساعاتی را که دادگاه مشخص کرده، در مؤسسه‌ای غیر انتفاعی به کار و فعالیت بپردازد که مسؤول و کارفرما بر نحوه کار فرد نظارت دارد. بر طبق مقررات این منطقه، افرادی نیز هستند که از شمول این قرار استثناء شده‌اند؛ مانند این که: مجرم دارای ناتوانی جسمی، ذهنی، عاطفی باشد و یا معتاد به مواد مخدر و یا الکل باشد و یا مجرمانی که مرتکب انواع خاصی از جرایم خشونت‌آمیز، یا جرایم جنسی و یا جرایمی که در هنگام ارتکاب آنها اسلحه به همراه داشته‌اند، شده‌اند و نیز مجرمانی که ممکن است بالقوه، خطری برای خودشان یا جامعه ایجاد کنند. (Alternatives to Incarceration)

۲ - حبس در منزل

یکی دیگر از اقداماتی که در راستای به حداقل رساندن استفاده از زندان در سیاست جنایی امروزی مطرح است، حبس مجرم در منزلش است؛ به این صورت که محکوم به این اقدام، محکومتش را در خانه و اقامت گاه خویش سپری می‌کند. به موجب این تصمیم، دادگاه محکوم را ملزم می‌کند که از منزل خارج نشود و در مواقع ضروری نیز به شرطی می‌تواند منزل را ترک کند که پیش از آن، از قاضی ناظر پرونده اجازه گرفته باشد. از مهمترین امتیازات این اقدام، به مواردی مانند جلوگیری از ورود افراد به زندان و تأثیرپذیری از آن، کم هزینه بودن و صرفه‌جویی اقتصادی، حفظ انسجام خانوادگی، تأمین منافع جامعه به وسیله دور نگه داشتن فرد از جامعه و ... می‌توان اشاره کرد. اما در مورد مشمولان این روش، باید خاطر نشان کرد که هر چند در ابتدای امر، از این روش برای اطفال بزهکار استفاده می‌شد، ولی در حال حاضر، نسبت به سایر مجرمان، همانند زنان مجرم و یا مجرمانی که از سن و سال بالایی برخوردار هستند و یا از لحاظ سلامت جسمانی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند، قابل اعمال است؛ آن گونه که مثلاً در ایالت متحده از این روش نسبت به مجرمان جوان و افرادی که اقدام به رانندگی در حال مستی می‌کنند، استفاده می‌شود. (Tonry, 1998, 692) یا در ترکیه، از این مجازات، نسبت به مجرمانی که بیش از ۶۵ سال عمر دارند و یا از لحاظ وضعیت سلامتی در حالتی نیستند که در زندان نگهداری شوند، استفاده می‌شود. (العوجی: ص ۱۵۹)

در ایالات متحده، استفاده از این روش از اواسط دهه ۸۰ شروع شد و روز به روز توسعه یافت تا این که در دهه ۹۰، در مورد مجرمان بسیاری از این روش استفاده می‌شد؛ به گونه‌ای که بر اساس برخی تحقیقات در سال ۱۹۹۳، فقط در ایالت فلوریدا، ۱۳ هزار نفر محکوم به حبس در منزل شده بودند. (Tonry, 692) اما در مورد نحوه نظارت و کنترل بر فرد محکوم به حبس در منزل باید متذکر شد که هر چند پیش از این کنترل به این صورت بود که یکی از اعضای انجمنهای خیریه و یا مددکاران اجتماعی بر اعمال و رفتار فرد نظارت می‌کرد (دانش: ص ۱۹۳)، ولی چون نظارت به این نحو با اشکال‌هایی مواجه بود، اخیراً سیستم جدیدی برای این کار پی‌ریزی شده که نظارت و کنترل، توسط دستگاه الکترونیکی صورت می‌پذیرد.

کیفیت کنترل فرد با دستگاه‌های کنترل کننده، مبتنی بر ارتباطی سه طرفه، بین

دستگاه فرستنده و گیرندهٔ علایم و دستگاه همراه مجرم که به مچ دست یا پای مجرم بسته می‌شود و علایمی را به دستگاه ثابت می‌فرستد و کامپیوتر مرکزی که ارتباط بین این دو را ثبت می‌کند، می‌باشد. کنترل الکترونیکی محکومان به حبس در منزل، از سال ۱۹۸۲ به بعد، در ایالات متحده با استقبال خوبی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که تا آن سال، این سیستم در هیچ کدام از ایالتها اجرا نمی‌شد، اما در سال ۱۹۸۶، در هفت ایالت به اجرا درآمد و در سال ۱۹۹۰ در تمام پنجاه ایالت مورد استفاده قرار گرفت (Tonry, P.693).

۳- الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی، اجتماعی

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند جایگزین مجازات زندان شود، الزام فرد به گذراندن دوره‌های آموزشی، اجتماعی است. این اقدام، غالباً در مورد مجرمانی که مرتکب جرایم راهنمایی و رانندگی شده‌اند، اعمال می‌شود. بر طبق این اقدام، محکوم، ملزم به گذراندن دوره‌های آموزشی اجتماعی می‌شود که مقدار و زمان آن در مقررات و قوانین جزایی پیش‌بینی شده است. در خلال این دوره‌ها، آموزشهای لازم را به فرد می‌دهند تا بدین وسیله، حتی الامکان دوباره مرتکب جرم نشوند و از طرفی، از همنشین شدن این افراد با مجرمان سابقه‌دار در محیط زندان جلوگیری به عمل آید.

در بعضی از کشورها از این اقدام به نحو گسترده‌ای استفاده می‌شود. چنانکه می‌بینیم در حقوق انگلستان، به قضات این اجازه داده شده که بر حسب سن فرد و نیازهای آموزشی و ضرورت‌های توجیهی وی، او را به مدت ۲ الی ۳۶ ساعت فراگیری آموزشهای لازم، محکوم نماید. (العوجی: ص ۱۶۵).

با توجه به آنچه گذشت، معلوم می‌شود که بطور کلی، اقداماتی که مستقیماً می‌توانند جایگزین زندان شوند، به دو قسم ضمانت‌اجراهای مالی و ضمانت‌اجراهای آموزشی - اجتماعی تقسیم می‌شوند که به تفصیل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بدیهی است که استفاده از این اقدامات، می‌تواند سهم بسزایی در حل معضلات ناشی از زندانها داشته باشد؛ اما باید توجه داشت که استفاده از این اقدامات، منوط به تبیین موقعیت و جایگاه این اقدامات، در نظام کیفری اسلام است که در فصل بعدی به این موضوع پرداخته می‌شود.

فصل دوم

جایگاه جایگزینهای مجازات زندان در میان کیفرهای شرعی

بررسیها نشان می‌دهد که حقوقدانان اسلامی در مقام بیان مجازاتهای شرعی، آنها را از جهات مختلفی تقسیم کنند. (عوده: ص ۶۲۲ و فیض: ص ۲۲۶).

یکی از این تقسیمات که بیش از سایر آنها مورد اهتمام قرار گرفته، تقسیم مجازاتها به لحاظ جرایم ارتكابی است. از این لحاظ، مجازاتها به چهار قسم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. اما باید توجه داشت که در این بین، جرایم و مجازاتهای تعزیری بحثهای بیشتر و جدی‌تری را می‌طلبد؛ چرا که بخش وسیعی از جرایم ارتكابی، اختصاص به آنها داشته و از طرفی، به نظر می‌رسد که شارع مقدس، نسبت به اعمال مجازاتهای تعزیری، اختیارات وسیعی را به حاکم جامعه اسلامی داده است.

بر این اساس سعی می‌شود، در این قسمت، به قلمرو مجازاتهای تعزیری که در فقه با عنوان «التعزیر دون الحد» شناخته شده، پرداخته شود و در نتیجه، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا تعزیر، محدود به مجازاتهای خاصی است یا محدودیتی در این زمینه وجود ندارد؟

در مورد این که حقیقت و ماهیت تعزیر چیست و این که مراد از تعزیر در قاعده «التعزیر دون الحد» چه می‌تواند باشد، دو دیدگاه و طرز تفکر بین فقها وجود دارد. برخی معتقدند که در مجازاتهای تعزیری، اصل بر تازیانه است و استفاده از دیگر مجازاتها به عنوان تعزیر، در غیر موارد تعیین شده در روایات، جایز نیست. اما در مقابل، بعضی معتقدند که در مجازاتهای تعزیری، اصل بر تازیانه نیست، بلکه تعیین مجازاتهای تعزیری، به حاکم و حکومت اسلامی واگذار شده، تا بر حسب زمان و مکان، هر وسیله‌ای را که برای اصلاح مجرمان مناسب دید، اعمال نماید.

بنابراین مجازاتهای تعزیری به وسیله هر چیزی که موجب منع و تأدیب مجرم شود، قابل اعمال است و در مورد اعمال مجازات تعزیری با تازیانه، خصوصیت ویژه‌ای لحاظ نشده و در این مورد، حقیقت شرعی و یا متشرع‌ه‌ای وجود ندارد؛ بلکه علت ذکر آن، در بیشتر موارد به خاطر عرف غالب در زمان شارع و یا به خاطر اثر بخشی سریع، اجرای ساده و آسان آن و یا منفعت بیشتر و ... بوده است. (موسوی اردبیلی: ص ۶۷ و منتظری: ج ۲، ص ۲۱۸ و مکارم شیرازی: ج ۱، ص ۱۱). پس از تبیین محل اختلاف، به بیان ادله و مستندات

قائلین قول اول و نقد آنها پرداخته می‌شود و پس از آن، در مبحث بعدی به ادله ارائه شده، مبنی بر عدم انحصار مجازاتهای تعزیری در تازیانه اشاره خواهد شد.

مبحث اول: ادله قائلین به انحصار و نقد آنها

۱ - کثرت استعمال

قائلین به انحصار تعزیر در تازیانه، معتقدند که از ملاحظه اقوال لغویان و بسیاری از فقها در مورد معنا و مفهوم تعزیر، به دست می‌آید که هر چند لفظ تعزیر در لغت به معنای تأدیب بوده، اما در لسان شارع و عرف متشرعه، به معنای ضرب کمتر از حد و ضرب به وسیله تازیانه است. به دیگر سخن، اینان معتقدند که لفظ «تعزیر» مطلق است و در لغت، تأدیب با هر وسیله مناسب را شامل می‌شود؛ اما چون تعزیر با تازیانه، در کلام فقها و والیان و قضات زیاد بوده، موجب شده که این لفظ، کم‌کم از معنای لغوی خویش منصرف شده و به معنای جدیدی اختصاص پیدا کند؛ به گونه‌ای که حمل آن بر معنای قدیم، نیاز به قرینه دارد. بنابراین هر جا در روایات و کلمات فقها، واژه تعزیر و مشتقات آن وارد شده باشد، باید بر همین معنای دوم حمل شود. (صافی: صص ۲۲ و ۴۷)

در مقام پاسخ به این دلیل، لازم است نکته‌ای را خاطر نشان کرد و آن این که اصولیان، بعضی از اقسام انصراف را مانع تمسک به اطلاق می‌دانند که در زیر به نحو مختصر به آن اشاره می‌شود:

گاهی منشأ انصراف، غلبه وجودی است؛ به این صورت که وقتی انسان لفظ مطلق را می‌شنود، فوراً فرد بارز آن به ذهن خطور می‌کند؛ مانند این که از لفظ انسان، نژاد سفید به ذهن خطور می‌کند. این نوع از انصراف، انصراف بدوی نام دارد که با کمترین توجه و التفات از بین می‌رود و مانع تمسک به اطلاق نمی‌شود.

اما در بعضی مواقع، انصراف ناشی از برداشت خاص عرف از معنا و مفهوم لفظ است، به این صورت که گاهی مواقع، عرف بعضی از مصداق را خارج از مفهوم یک لفظ می‌داند، مثل این که در فهم عرفی از لفظ «ما لایؤکل لحمه»، غیر انسان به ذهن منصرف می‌شود.

در این مورد شکی نیست که لفظ مطلق همانند کلام، مقرون به قرینه است و مطلق در غیر آن مورد ظهور پیدا می‌کند. اما در بعضی موارد، عرف نسبت به این مطلب شک دارد که آیا این فرد مصداقی برای آن لفظ در حالت اطلاق هست یا خیر، که در این

صورت، لفظ به غیر آن مورد منصرف می‌شود، مانند انصراف لفظ آب به غیر آب میوه. در این مورد از مطلق، آن مفهوم خاص فهمیده نمی‌شود و از طرفی ظهور در اطلاق نیز ندارد و به گونه‌ای اجمال پیدا می‌کند. (خوئی: ج ۲، صص ۵-۴۳۴)

با توجه به این مطالب می‌توان ادعا کرد که وضعیت لفظ تعزیر، همانند قسم اول، از اقسام انصراف است. به این گونه که در گذشته، در بیشتر موارد برای تنبیه مجرمان از تازیانه استفاده می‌کرده‌اند و ذهن بیان‌کنندگان معطوف به آن بوده، پس در هر کجا که لفظ «تعزیر» به کار رفته، ضرب با تازیانه به ذهن تبادر کرده است و گمان کرده‌اند، تعزیر معنایی غیر از این ندارد. بنابراین، چون این انصراف، ناشی از غلبه و کثرت وجود یک فرد یا نوع خاصی از افراد و انواع تعزیر است، حجیت نداشته و موجب تقیید مطلق نمی‌شود. پس تعزیر به معنای تأدیب است و هیچ دلیلی به اختصاص آن به خصوص «ضرب با تازیانه» وجود ندارد. (معرفت: ص ۴۷ و محقق داماد: ص ۲۱۶).

۲ - استصحاب و اجرای اصل*

بدون شک، حاکم اسلامی می‌تواند به استناد روایات و اجماع، بزهاران را با تازیانه به مقدار کمتر از حدّ شرعی مجازات کند. اما مجازات بزهاران به شیوه‌های دیگر مانند حبس، تبعید، جریمه مالی، تعطیل کردن محل کسب، توقیف اموال و ... به مقتضای استصحاب حرمت حبس مسلمان و لزوم احترام به مال وی و عدم جواز گرفتن مال از او بدون رضایتش، غیر مشروع است. (صافی: ص ۲۳)

در ردّ این دلیل باید متذکر شد که اولاً رجوع به قاعده استصحاب و یا اصل حرمت در صورتی است که فاقد دلیل اجتهادی باشیم، در حالی که در محل بحث، این دلیل وجود دارد؛ زیرا واژه «تعزیر» در روایات وارده، مبنی بر موکول بودن تعیین تعزیر به امام، (حر عاملی: ج ۱۸، ص ۵۸۴) مطلق است و شامل انواع عقوبت‌های تنبیهی می‌شود و از این رو این گونه روایات، اطلاق و ادله اولیه حرمت ایدای مسلم را تقیید و تخصیص می‌زند.

ثانیاً این که مستدل ادعا کرد که حاکم مجاز به تعزیر با تازیانه است، مورد قبول نیست؛ زیرا یکی از مهمترین ادله تشریح تعزیر، تأدیب مجرم و بازداشتن وی از ارتکاب جرم و معصیت است. پس اگر ضرب او موجب اصلاح و تأدیبش شود، جایز است و بحثی

*- منظور از اصل، همان اصل «لا ولاية لاحد على احد» و قاعده «الناس مسلطون على انفسهم» است که این اقتضا را دارد که نتوانیم در مورد نفس یک انسان که در ید قدرت و حیطة سلطنت وی می‌باشد، تصرف کنیم، مگر در مواردی که قطعاً بدانیم شارع مقدس بطور صریح اجازه داده است.

در آن نیست، ولی اگر این طور نبود، بلکه علم داشتیم که تعزیر او با ضرب، ما را به هدف مورد انتظار از تعزیرات رهنمون نمی‌سازد، پس اگر تأدیب دیگری موجب ردع و منع او شود، معین می‌شود. (موسوی اردبیلی: ص ۶۶)

۳ - تمسک به عبارت «التعزیر دون الحد»

از عبارت «دون الحد» که در روایات و کلام فقها به مقدار زیادی تکرار شده، استفاده می‌شود که تعزیر با تازیانه بیشتر سازش دارد تا عقوبت‌های دیگر؛ زیرا آنها عددی نیستند تا عبارت «کمتر از حد» بر آنها صادق باشد. (صافی: ص ۳۷)

در مقام نقد این دلیل، می‌توان بیان کرد که از بررسی آیات و روایات به دست می‌آید که معنای «دون الحد» «کمتر و پایین‌تر» نیست. بلکه به معنای «غیر و سوی» است؛ چرا که در آیات، برای «دون»، سه معنا ذکر شده است: در بعضی موارد، دون به معنای رتبه پایین‌تر و یا عدد کمتر است، مانند این آیه: ﴿وَ أَنَا مِمَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ﴾ (جن ۱۱) یعنی «دون الصالحین فی المرتبه» (طبرسی: ج ۹-۱۰، ص ۵۵۹) و در موارد دیگر، به معنای «قرب و نزدیک بودن با چیزی» آمده است؛ مثل این آیه شریفه: ﴿مَنْ دُونَهُمَا جَنَّتَان﴾ (الرحمن ۶۲) که مرحوم طبرسی در این مورد می‌فرماید: «معنای کلمه دون در این آیه، مکان نزدیک به یک چیز است در مقایسه به مکان دیگری که به آن اندازه به آن شیء نزدیک نیست» (طبرسی: ص ۳۱۸). و گاهی هم، دون به معنای «غیر و سوی» است. در بیشتر مواردی که دون در قرآن کریم به کار برده شده به همین معناست، که عدد آن متجاوز از یکصد و سی مورد است. (رک: معرفت: ص ۲۹)

در روایات نیز «دون» به معنای «غیر» آمده است؛ همان طور که در مورد مجازات کسی که با حیوانی نزدیکی کرده باشد، در صحیحه سدید آمده که «و جلد دون الحد» (حر العاملی: ج ۱۸، ص ۵۷۱) ولی در صحیحه سماعه بیان می‌کند که «یجلد حداً غیر الحد» (همان) و در صحیحه ابی فضیل نیز تعبیر «لیس علیه حد ولكن یضرب تعزیراً» (همان: ص ۵۷۲) آمده است.

با توجه به این سه روایت که در یک مورد خاص وارد شده‌اند، در می‌یابیم که تعزیر عقوبتی غیر از حد است. بدیهی است که اگر حاکم تشخیص داد که مصلحت در اعمال مجازات تعزیری با تازیانه است، در این موقع باید عددی را انتخاب کند که کمتر از حد باشد و این به معنای این نیست که معنای دون، عدد کمتر باشد.

پس با توجه به رد ادله قائلین به انحصار مجازات‌های تعزیری در ضرب، معلوم شد

که این مجازات‌ها از عمومیت و گستردگی خاصی برخوردارند و نمی‌توان آنها را محدود به موردی خاص دانست. علاوه بر این، ادله‌ای نیز ثابت‌کننده این امر می‌باشد که در مبحث بعدی به آن اشاره می‌شود.

مبحث دوم: ادله اقامه شده بر عمومیت مفهوم تعزیر

همان گونه که در بررسی ادله قائلان به انحصار اشاره شد، غلبه وجودی یک فرد از افراد تعزیر، نمی‌تواند موجب انصراف لفظ تعزیر از معنای اصلیش شود؛ بلکه لفظ «تعزیر» از همان سعه مفهومی اولیه‌اش برخوردار است و به استناد آن، حاکم می‌تواند هر نوع مجازاتی را که متناسب با شخصیت مجرم و جرم ارتكابی وی تشخیص داد، اعمال کند. برای اثبات این امر، ادله‌ای وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- اطلاقات باب تعزیر

الف- روایات

با مطالعه روایات وارده در ابواب حدود و تعزیرات، می‌توان به روایاتی دست یافت که به نوعی همین اطلاق و وسعت مفهومی را برای لفظ «تعزیر» تأیید می‌کنند. به چند مورد، به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

در مورد تعزیر فردی که به تیگری ناسزاگفته و الفاظی چون «پست و خوک» را به وی نسبت می‌دهد، امام می‌فرماید: «در این مورد، حدی جاری نمی‌شود، بلکه وی نصیحت و مقداری مجازات می‌شود.» (حر عاملی: ج ۱۸، ص ۴۵۲). همان طور که ملاحظه می‌شود، این بیان، اطلاق داشته و شامل هر گونه عقوبتی است که به همراه موعظه مؤثر واقع شود. همچنین در مورد مقاربت‌کننده با حیوان آمده است: «رجم و حدی ندارد، بلکه با مجازاتی دردآور مجازات می‌شود.» (همان: ص ۵۷۲)

این روایت نیز اطلاق دارد و مفهومی وسیع برای تعزیر در نظر می‌گیرد. در مورد مجازات «آکل الرباء» در روایت آمده است که «تأدیب می‌شود» (همان: ص ۵۸۰) و این بیان نیز اطلاق داشته و شامل هرگونه مجازاتی می‌شود.

همچنین در مورد کسی که اقدام به سرقت میوه‌ای کرده که هنوز بر درخت است، حضرت می‌فرماید: «خوردن از این گونه میوه اشکال ندارد، ولی حمل کردن و بردن از آن موجب تعزیر و پرداخت غرامت به میزان دو برابر قیمت آن می‌شود.» (همان)

پس اطلاق موجود در این روایات و روایات دیگری که در این باب وارد شده، دلیل

روشنی است بر این که لفظ تعزیر، دارای همان مفهوم اولیه اش می باشد و تقییدی در آن صورت نگرفته است.

ب - کلمات فقها

از دیگر دلایلی که می توان بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه کرد، دیدگاه فقها در مقام تعریف تعزیر است که در این زمینه به چند مورد اشاره می شود:

مرحوم ابوالصلاح حلبی در مقام تعریف تعزیر می نویسند:

«تعزیر عبارت از تأدیبی است که خداوند، تعبد و التزام به آن را به منظور جلوگیری تعزیر شونده و دیگر مکلفین، از ارتکاب عمل ممنوع جعل نموده است و این حکم، در موردی که امر واجبی ترک و امر قبیحی ارتکاب یابد و در شرع، مجازات معینی برای آن نیامده باشد، ثابت می شود.» (حلبی: ص ۴۱۶).

بدیهی است که به نظر ایشان، مجازات تعزیری منحصر به موردی خاص نیست، بلکه از هر اقدامی که منجر به اصلاح مجرم و پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد وی شود، می توان استفاده کرد.

مرحوم شیخ طوسی نیز نسبت به فردی که اقدام به عملی نماید که مستوجب تعزیر است، می نویسند:

«امام می تواند او را تأدیب نماید، مورد نکوهش قرار دهد، سرزنش کند و یا زندانی نماید.» (طوسی: ج ۸، ص ۶۶) *الحقیقت کامپیوتر علوم اسلامی*

همچنین مرحوم علامه در کتاب تحریر می نویسند: «تعزیر ممکن است به زدن با تازیانه، حبس و یا به توبیخ باشد.» (عاملی: ج ۲، ص ۲۲۷)

مرحوم شهید اول نیز در هفتمین فرق میان حد و تعزیر متذکر می شوند: «حاکم در تعزیر مخیر است که هرگونه عقوبتی را که متناسب می داند، اعمال نماید؛ در صورتی که در حدود، به جز حد محاربه، تخییری در انتخاب انواع آن ندارد.» (عاملی: ج ۲، ص ۱۳۴) پس معلوم می شود که ایشان نیز، مفهومی وسیع برای تعزیر قائل هستند.

مرحوم شهید ثانی نیز در این زمینه می نویسند: «تعزیر در لغت به معنای تأدیب و در شرع، عبارت از مجازات و یا نکوهش است که در غالب موارد مقدار آن مشخص نشده است.» (عاملی: ج ۱۴، ص ۳۲۵) بسیاری از معاصران نیز دست حاکم را در انتخاب نوع مجازات تعزیری باز گذاشته و معتقدند که هدف از اعمال مجازات، اصلاح مجرم و منع وی از ارتکاب جرم مجدد است. پس به هر شکلی که این امور برآورده شد، می توان مجرم

را مجازات کرد (موسوی الاردبیلی: ص ۶۲ و منتظری: ج ۲، ص ۲۱۸ و تبریزی: ج ۱، ص ۴۲۶). همان گونه که کتاب موسوعه فقهی تعزیر را چنین تعریف کرده است: «التعزیر عقوبة غیر مقدّرة فی الاصل، بل لم یعیّن نوعها احياناً و انما أمر تعیینه بیدالحاکم، فهو الذی یحدده بما مناسب مع نوع الجرم و شخصیة المجرم، بحيث یرتدع بها عن العود الیها، فریما یحصل للارتداع بمجرّد إحضار الشخص الی محلّ القضاء او ملامته و نحو ذلك» (انصاری: ج ۳، ص ۲۳۶). «تعزیر مجازاتی است که اصالة غیر مقدر است و نوع آن نیز در بعضی موارد معین نشده، بلکه تعیین آن به حاکم واگذار شده تا با توجه به نوع جرم ارتکابی و شخصیت مجرم، به گونه‌ای مرتکب را مجازات کند که حتی الامکان از تکرار جرم مجدّد خودداری کند. پس چه بسا این جلوگیری از ارتکاب جرم به مجرد احضار فرد به دادگاه و یا سرزنش وی و مانند اینها حاصل شود.»

به علاوه بسیاری از فقهای اهل سنت نیز مفهوم وسیعی برای تعزیر در نظر گرفته‌اند؛ آن گونه که جزیری در مورد تعریف تعزیر می‌نویسد: «تعزیر عبارت است از تأدیب به آنچه که حاکم مصلحت ببیند و هدف از آن نیز بازداشتن مرتکب عمل حرام، از ارتکاب مجدّد آن است.» (جزیری: ج ۵، ص ۳۹۷) و یا در احکام السلطانیة آمده است: «تعزیر: تنبیه و تأدیبی است که نسبت به گناهایی که در شرع، حدّی برای آن تعیین نشده اعمال می‌شود و حکم آن، یا توجه به نوع جرم و خصوصیت مجرم تغییر می‌کند.» اما در مورد نوع و میزان تعزیر، اکثر قویب به اتفاق علمای عامّه معتقدند که تعیین نوع تعزیر به اجتهاد امام و مصلحت وی واگذاشته شده تا آنچه را مصلحت می‌داند اعمال کند. پس می‌تواند با یک توبیخ و سرزنش ساده بسنده کند و یا پا را فراتر گذاشته و مجازات دیگری را در نظر گیرد. (ابن نجیم: ج ۵، ص ۴۴۲ و انصاری: ج ۲، ص ۲۸۹).

بنابراین با توجه به آنچه گذشت، معلوم شد که بسیاری از فقهای امامیه و عامّه معتقدند که تعیین تعزیر به شخص امام و حاکم واگذار شده و اوست که با توجه به شخصیت مجرمان و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم، می‌تواند به هر نحوی که مصلحت می‌بیند، اقدام به اعمال مجازات‌هایی بر مجرمان نماید و در این زمینه با محدودیتی مواجه نیست.

۲ - اطلاقات باب امر به معروف

از دیگر ادله‌ای که بر عمومیت مفهوم تعزیر می‌توان ارائه کرد، اطلاقات وارده در

باب امر به معروف و نهی از منکر است. بدون شک یکی از اهرمهای نیرومندی که در دین مبین اسلام، برای ریشه کن کردن فساد و انحراف بوده و عاملی استوار برای سوق دادن افراد و جامعه به سوی تکامل همه جانبه معنوی و مادی در نظر گرفته شده است، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. آن گونه که آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به انجام این فریضة مهم، الزام می‌نمایند و تأکید فراوان در حفظ آن دارند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ (آل عمران، ۱۰۴) باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند.

همچنین نبی مکرم اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر نماید، جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول و کتاب خداست.» (طبرسی: ج ۱-۲، ص ۸۰۷)

از این قبیل آیات و روایات، فراوان وجود دارد که امر و تشویق به انجام این واجب الهی می‌نمایند. اهمیت این واجب به حدی است که بزرگان از فقهای امامیه این امر را مسلم گرفته‌اند که اگر عمل به این واجب، مستلزم و منوط به تشکیل حکومت باشد، تحصیل آن مقدمه نیز، بخاطر انجام این فریضة، واجب و لازم می‌شود. (شیخ انصاری: ج ۱، ص ۱۷۰ و نجفی: ج ۲۲، ص ۱۵۵)

حال که اهمیت این واجب به حدی است که می‌توان به استناد آن حکومت تشکیل داد، پس معنا ندارد که در چنین حکومتی که به منظور برپایی اوامر الهی و ترک نواهی الهی و برقراری نظم و انضباط در جامعه و جلوگیری از فساد و انحراف در آن جامعه بوجود آمده است، حاکم در اعمال مجازات بزهکاران، از آزادی عمل برخوردار نباشد و نتواند با اختیار تام و کامل، انواع مجازاتها و تنبیهات را اعمال نماید. بلکه حاکم باید از این لحاظ آزادی عمل داشته باشد تا بتواند از هر وسیله‌ای که مصلحت دید، روند اصلاح متخلفان از مقررات شرعی و حکومتی را که در حقیقت، موجبی برای رشد و تکامل معنوی و مادی جامعه است، سرعت بخشد.

۳ - اطلاقات باب ولایت فقیه

از دیگر دلایلی که می‌توان بر مبسوط‌الید بودن حاکم در اعمال مجازاتهای تعزیری

ارائه کرد، اطلاقات ادله حکومت و ولایت فقیه جامع الشرایط است. به این معنا که هدف از تأسیس دولت و حکومت حق، چیزی جز نظم دادن به جامعه و اصلاح آن، جبران کمبودها، برچیدن انحراف، ترویج کارهای خیر و نیک و قطع ریشه‌های فساد و تباهی در جامعه نمی‌باشد. کما این که بعضی از فقها، اهداف تشکیل حکومت اسلامی را رهنمون ساختن انسانها به سوی کمال و فراهم نمودن سیر و سلوک آنها - تا بتوانند نماینده شایسته خداوند بر روی زمین باشند - و تبدیل کشورهای اسلامی به «مدینه فاضله»، می‌دانند (جوادی آملی: ص ۹۹)، و به عبارتی، هدف از تشکیل حکومت، قرار دادن جامعه و افراد آن در مسیر سعادت و کمال است.

حال در چنین جامعه‌ای حاکم باید بتواند هر اقدامی را که به حال مردم و نظم بخشیدن به امور آنها، مصلحت می‌داند اعمال کند و باید اختیار کامل داشته باشد که بتواند انواع مجازاتهای تعزیری و تأدیبی را به منظور اصلاح و تأدیب مجرمان اعمال نماید. آن گونه که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّتِي أُوتِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾؛ (احزاب، ۶) پیامبر بر مؤمنان، سزاوارتر است از خود آنها». به این معنا که ولایت پیامبر نسبت به برخی تصرفاتی که فرد می‌تواند در مال و جان خویش داشته باشد، اولی و مقدم بر ولایت خود او است. از طرفی مقتضای ادله ولایت فقیه در زمان غیبت این است که هر آنچه برای پیامبر ﷺ از حق ولایت شرعی (در امور حکومتی) وجود داشته، برای فقیه نیز وجود دارد. (منتظری: ج ۲، ص ۲۴۳) پس همان گونه که پیامبر ﷺ برای اصلاح جامعه و فرد، محدودیتی در باب تعیین مجازات نداشتند، ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی نیز باید واجد چنین حقی باشد تا بتواند به اهداف موردنظر در تشکیل جامعه اسلامی جامه عمل بپوشاند.

۴ - اهداف مجازاتهای تعزیری

یکی از مهمترین ادله ارائه شده بر تنوع و تکثر حاکم بر نهاد تعزیرات، بررسی علل و عوامل اعمال این گونه مجازاتها است. حقوقدانان در مقام بیان فلسفه و هدف مجازاتهای تعزیری، معتقدند که هدف اولیه و اساسی از اعمال این مجازاتها، اصلاح مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد است، و لذا، ملاحظه می‌شود که قضات در تعیین نوع مجازات و میزان آن، از آزادی عمل برخوردارند و می‌توانند با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم ارتكابی و شخصیت مجرم، مجازاتی را که مصلحت می‌دانند،

اعمال نمایند. (عبدالمنعم: ج ۹، ص ۲۷۸ و محمد جعفر: صص ۵-۲۴)

از اموری که می‌توان به عنوان دلیل بر این ادعا ذکر کرد، تعبیه راهکارها و تسهیلاتی در نهاد تعزیرات است که شارع مقدس، با گنجاندن آنها در کنار سایر مقررات مربوط به مجازاتهای تعزیری، در صدد سرعت بخشیدن به روند اصلاح مجرمان بوده است. از این قبیل می‌توان به پذیرش توبه مجرمان در جرایم تعزیری اشاره کرد. فقها در این زمینه تصریح دارند که توبه در تعزیرات موجب سقوط مجازات می‌شود (هرچند اگر به خاطر جرم ارتكابی، حقوق الناس پای مال شده باشد، باید رضایتشان جلب شود). (العاملی: ج ۲، ص ۱۳۲). و یا ملاحظه می‌شود که فقها در مورد این جرایم، این اجازه را به حاکم داده‌اند که در صورت صلاحدید و عدم تجزی مجرم، اقدام به عفو وی نموده (طوسی: ج ۸، ص ۶۶ و نووی: ج ۲، ص ۲۷۳ و منتظری: ج ۲، ص ۲۹۶) و حتی بعضی معتقدند که در این مورد نیازی به ثبوت توبه وی نیز نمی‌باشد. (هاشمی شاهرودی: ۱۳۷۸: صص ۱۹۲ و ۲۰۷). این امور به وضوح دلالت دارند که مهمترین هدف شارع از اعمال مجازاتهای تعزیری، اصلاح مجرم و بازگرداندن وی به جامعه است. بنابراین، حاکم جامعه اسلامی باید بتواند در هر مورد خاص، با ملاحظه نوع و شدت جرم ارتكابی و آثار سوء وارده بر جامعه و بررسی شخصیت مجرم و دیگر شرایط زمانی و مکانی، مجازات مناسبی را تعیین نماید.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه:

با توجه به معنا و مفهوم تعزیر و با دقت در ادله‌ای که مبنی بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه شد، معلوم می‌شود که حاکم جامعه اسلامی برای تنبیه بزهکاران و مجرمان از اختیارات کامل برخوردار است و می‌تواند از انواع مجازاتها، متناسب با شخصیت مجرمان و جرایم ارتكابی آنها، همانند موعظه، توبیخ، تذکر کتبی یا شفاهی، پرداخت غرامت به مجنی علیه، جریمه مالی، نگه داری در مراکز آموزشی و یا بازپروری، محرومیت از اشتغال به شغلی خاص، تعطیلی محل کار و فعالیت، انجام کارهای عام‌المنفعه، حبس در منزل، زندان و هر نوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که در بردارنده اصلاح جامعه است) متناسب تشخیص داد، استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای وی وجود ندارد. زیرا مجازات وسیله‌ای برای اصلاح و تربیت مرتکب جرم و جلوگیری از ارتكاب جرایم مجدد وی و همچنین جلوگیری از انحراف و آلودگی سایر

افراد جامعه می‌باشد. بنابراین مجازات‌هایی که در حقوق غرب تحت عنوان «مجازات‌های جای‌گزین زندان» از آنها یاد می‌شود، در حقیقت مجازات‌های تعزیری هستند که به استناد ادله‌ای که ارائه شده، مقام صالح برای تعیین مجازات‌های تعزیری در انتخاب آنها با محدودیتی مواجه نیست؛ البته باید در نظر داشت که تهیه فهرست مناسبی از جرایم و مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آنها، به منظور عمل به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و دفع اشکال قبح عقاب بلا بیان، ضروری است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع و مأخذ

الف - فارسی:

- ۱- آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش، چ اول، ۱۳۷۶.
- ۲- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۷۵.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۴- بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازاتها، محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ سوم، ۱۳۷۴.
- ۵- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، ۱۳۷۲.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم، نشر اسراء، چ اول، ۱۳۷۸.
- ۷- حسینی، سیدمحمد، «قانون جزائی فرانسه» دادرسی سال سوم، شماره‌های ۱۶، ۱۸، ۲۱.
- ۸- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۸.
- ۹- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، چ پنجم، ج ۲.
- ۱۰- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، تهران، انتشارات آرش، ۱۳۵۲.
- ۱۱- فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۲- کاشفی، حسین «کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه» مجله حقوق قضائی دادگستری، شماره ۳۶، ۱۳۸۰.
- ۱۳- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۴- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۵- مرکز تحقیقات قوه قضائیه، مجازات زندان در بین سایر واکنشهای اجتماعی علیه جرم و مفهوم کلی جایگزینهای زندان، تهران، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، (پلی کپی).
- ۱۶- معرفت، محمدهادی، «بحثی در تعزیرات»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۷-۱۴۶، بهار و تابستان، ۱۳۶۸.
- ۱۷- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کانون وکلای دادگستری، چ سوم، ۱۳۷۵.
- ۱۸- هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، بایسته‌های فقه، جز ۱، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۸.

ب - عربی:

- ۱۹- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، البحر الحقائق، القاهرة، دارالکتب الاسلامی، الطبعة الثانية، بی تا، ج ۵.

- ۲۰- الانصارى، زكريا بن محمد، فتح الوهاب، بيروت، دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸، ج ۲.
- ۲۱- الانصارى، محمدعلى، الموسوعه الفقهيه الميسره، قم، مجمع الفكر الاسلامى، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰، ج ۳.
- ۲۲- الانصارى، مرتضى (الشيخ)، كتاب المكاسب، قم، انتشارات دهقانى، ج اول، ۱۳۷۲، ج ۱.
- ۲۳- التبريزى، ميرزا جواد، صراط النجاة، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶، ج ۱.
- ۲۴- الجيعى العاملى، زين الدين بن على، (الشهيد الثانى)، مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹، ج ۱۲ و ۱۵.
- ۲۵- الجزيرى، عبدالرحمن، الفقه على مذاهب الاربعه، بيروت، داراحياء التراث العربى، الطبعة الاولى، بی تا، ج ۵.
- ۲۶- الحر العاملى، محمدبن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، بيروت، داراحياء التراث العربى، الطبعة الخامسة، ج ۱۸.
- ۲۷- الحلبي، ابى الصلاح، الكافي فى الفقه، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين، بی تا.
- ۲۸- الحلبي، الحسن بن يوسف (العلامة)، تحرير الاحكام الشرعيه، قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۹، ج ۲.
- ۲۹- الصافى، لطف الله، التعزير، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۳۶۳.
- ۳۰- الطبرسى، فضل بن الحسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۸، ج ۱-۲ و ۹-۱۰.
- ۳۱- الطوسى، محمدبن الحسن (الشيخ)، المبسوط، بی جا، چاپ حيدرى، ۱۳۵۱، ج ۱.
- ۳۲- العاملى، محمدبن مكى (الشهيد الاول)، القواعد والفوائد، قم، مكتبة المفيد، بی تا.
- ۳۳- العوجى، مصطفى، التأهيل الاجتماعى فى مؤسسات العقابيه، بيروت، مؤسسه بحسون، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳.
- ۳۴- الفراء الحنبلى، محمدبن الحسن، الاحكام السلطانيه، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۶.
- ۳۵- القهوجى، على عبدالقادر، علم الاجرام و علم العقاب، بيروت، الدار الجامعيه، ۱۹۹۵.
- ۳۶- الماوردى، على بن محمدبن حبيب، احكام السلطانيه، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۶.
- ۳۷- المنتظرى، حسينعلى، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه، قم، المركز العالمى للدراسات الاسلاميه، ۱۴۰۸، ج ۲.
- ۳۸- الموسوى الاردبيلى، سيد عبدالكريم، فقه الحدود و التعزيرات، قم، مكتبة اميرالمؤمنين، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳.
- ۳۹- الموسوى الخوئى، سيد ابوالقاسم، اجود التقريرات، قم، مؤسسه صاحب الامر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹، ۵۹.

ج ٢.

- ٤٠- النجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة السادسة بی تا، ج ٢٢.
- ٤١- النوری، الدمشقی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا، ج ٧.
- ٤٢- عبدالمنعم، سلیمان، اصول علم الاجرام و الجزاء، بیروت، المؤسسة الجامعیة، الطبعة الاولى، ١٩٩٦.
- ٤٣- عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت، مؤسسة الرساله، الطبعة الثالثة عشر، ١٤١٥، ج ١.
- ٤٤- محمدجعفر، علی، فلسفة العقوبات فی القانون و الشرع الاسلامی، بیروت المؤسسة الجامعیة، الطبعة الاولى، ١٩٩٧.
- ٤٥- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التعزیرات) ، قم، مدرسة الامام علی بن ابیطالب، الطبعة الاولى ١٤١٨، ج ١.

ج - لاتین:

- 46- Tonry. Micheal, The hand book of Crime and Punishment, New York, Ouford, 1998.
- 47- picquart. Jean - Marie , "Communitg service. The franch experience" . in: www. Penal reform.org / english / altern - csfrance.htm
- 48- Alternatives to Incarceration. in :
www.co. clinton.ny.us/ Departments/ probation/alternatives - incarceration.
- 49- Communitg service orders in:
www.dundeeCitg. gov.un / swork / comserv.html
- 50- The justic system and Aboriginal people. chapter 10- Alternatives to Incarceration.
www. ajic. mb. ca/ volumel/ chapter 10. html
- 51- The Community service orders Rules 1989, in:
www.hmsO.gov.uk/si/si1989/uksi-19890191-en-1.htm
- 52- United Nations Standard Minimum Rules for Non - Custodial Measures (The TokyoRules)
www.un.org.documentS/ga/res/45/a45r110-hm.